



کمال الدین بهزاد
قمر آریان
انتشارات هیرمند، ۱۳۸۲

هرات بی‌شک کمتر از جامی در حفظ میراث ادبی آن دربار باشکوه و نقل آن به جامعه‌ی ادبی عثمانی و صفوی نیست. وی علاوه بر این، با ذوق و نبوغ خود در این میراث تصرفات کرده و آن را جلوه و رونق

دیگری داده است. آثار جسارت در کارهای او جلوه دارد و پیداست که، هم در طرح و هم در رنگ با تهوری بارز در شیوه‌ی قدما تصرفاتی کرده است.

آثار بهزاد بحث دیگری است که نویسنده به آن پرداخته است و متذکر این معنا می‌شود که شهرت فوق‌العاده‌ی بهزاد باعث شده که کار تحقیق در باب آثار او مشکل شود. یعنی این شهرت باعث شده که از خیلی

قدیم جمع آورندگان آثار ظریفه به جست‌وجو و تحصیل آثار قلمی او شور و رغبتی بسیار نشان دهند و این معنی خود به تقلب‌سازان فرصت می‌دهد تا برای جلب مشتریان روزافزون خود رقم و امضا بهزاد را تقلید کنند، آثار او را کپی کنند و آثار دیگری را به نام آثار بهزاد و با امضا و رقم او جا بزنند. وی سپس به آثاری که صحت انتساب آنها تقریباً نزد اکثر محققان مسلم شناخته شده و آثاری هم که به بهزاد منسوب است مورد اشاره قرار می‌دهد.

در بحث نقد آثار او نویسنده آورده است:

مجموعه آثار بهزاد روی هم رفته، هم مشتمل بر مضامین رزمی و حماسی است، هم متضمن معانی بزمی و عشقی و البته بیان حرکات و احوال و اطوار اشخاص هم در هر دو شیوه کاملاً استادانه است. در جزئیات آثار او نشانه‌ی تمایل به نوعی رئالیسم محسوس است. هنرمند به‌خصوص سعی دارد حوادث مورد نظر را در قیافه‌ها - با وجود کوچکی و ریزی آنها و در حرکات با وجود محدودیت از حیث جا و مضمون که پیروی از شاعر را لازم می‌کرده است - نشان دهد و حتی حرکات حیوانات را نیز به دقت ملاحظه و رعایت می‌کند.

روی هم رفته در آثار بهزاد آمیزگاری و هماهنگی رنگ‌ها تا حدی جزو مختصات به شمار است. بعضی کارهایش نشان می‌دهد که صورت را اول بزرگ می‌کشیده و بعد آنها را به مقیاس کوچکتر ترسیم می‌کرده است.

اثر حاضر به پیشنهاد کمیته‌ی علمی همایش بزرگداشت کمال‌الدین بهزاد و معاونت پژوهشی فرهنگستان هنر به چاپ مجدد رسیده است. کتابی که در زمان خود پاسخگوی بسیاری از سؤالات بود. به باور نویسنده پیدایش هنر مینیاتور در دنیای اسلامی از تاریخی روشن برخوردار نیست و علت عمده این امر را تا حدی

وجود تعصبات در مورد آفرینندگی و هنر به ویژه نقاشی و موسیقی، می‌داند. و این سؤال مطرح می‌شود که آیا منشأ آن به گفته‌ی عده‌ای تأثیر و نفوذ هنر مسیحیان قبطی بوده یا تأثیر مانویان؟ که در این مورد جای بحث وجود دارد، و حتی عده‌ای بر آن شدند تا در مینیاتورهای اسلامی قرن ششم نشانی از تأثیر ذوق هنرمندان مسیحی - بیزانسی و نستوری بجویند.

نویسنده می‌گوید: «درست است که در هنر واقعی به آسانی نمی‌توان از یک نفوذ مستمر یک جانبه صحبت کرد اما نمی‌توان هم قبول کرد که سنت‌های قدیم ایرانی - مانوی و ساسانی - در ایجاد و تکامل هنر مینیاتور اسلامی ایران تأثیری نداشته است. نفوذ هنر چینی و هندی هم که در نسخه‌های جامع‌التواریخ رشیدی شاهدهی داشته است، بی‌شک در تبریز و به وسیله‌ی هنرمندان ایرانی تعدیل شده و راه تازه‌ای یافته است. از روزگار تیمور به بعد است که مخصوصاً ذوق آفریننده‌ی ایرانی تجلی خود را در این آثار با قدرت و شکوه تمام ظاهر کرده است.»

بهزاد سنت‌های عظیم این هنر ظریف ایرانی را به کمال رساند. رساله حاضر را نیز که در تحقیق احوال و آثار او به چاپ رسیده، می‌توان نخستین اثر مستقل و مفصلی دانست که سرآغاز مطالعات جامع‌تر بعدی شد. چاپ اول کتاب در سال ۱۳۴۷، چاپ دوم به همت انتشارات هیرمند و چاپ سوم نیز در سال ۱۳۸۲ توسط همین ناشر چاپ شده است.

نویسنده بحث نخست خود را به شهرت و آوازه‌ی بهزاد اختصاص داده و سپس محیط فعالیت بهزاد و سرگذشت او مورد بحث قرار گرفته است. وی در بحث دیگری به مکتب بهزاد و استادان و شاگردان او می‌پردازد و مکتب بهزاد را حلقه‌ی اتصال می‌داند که سنت‌های هنری خراسان قدیم را به مکتب اصفهانی و صفوی منتقل می‌کند. اهمیت بهزاد در حفظ و انتقال میراث هنری